

# کارکردهای دین در بحران کرونا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ تاریخ تلخیص: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵

محمد کاشی‌زاده\*

## چکیده

یکی از ابعاد مطالعاتی دین، کارکردهایی است که دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. این اثرگذاری از ناحیه دین بیشتر در موارد عادی زندگی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد؛ لکن بایسته است که کارکردهای دین در مواردی که زندگی انسان با بحران مواجه می‌شود نیز بررسی گردد. بر این اساس این مقاله قصد دارد نقش و کارکرد دین را در حل بحران کرونا مورد مطالعه قرار دهد. در ابتدا به چسبندگی بحران پرداخته و بررسی می‌کند بحران چه مؤلفه‌هایی دارد و بهترین روش برخورد در شرایط بحرانی چیست. سپس شرایط بحرانی کرونا و اختلالات نظام زندگی فردی و اجتماعی در ساحت‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته و رابطه دین و کرونا از منظرهای مختلف در فضای انضمامی بررسی می‌گردد. در مطالعه ارتباط دین و کرونا، اولاً باید توجه داشت که کرونا تنها جنبه سلبی ندارد؛ بلکه می‌توان فرصت‌های کرونا را نیز مورد مطالعه قرار داد و از ظرفیت‌های ایجادشده در این فضا حداکثر بهره را برد. ثانیاً دین نقشی بسیار اساسی در حل بحران کرونا از خود نشان داده است؛ از سویی با استفاده از ظرفیت‌های درونی

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

mohamad\_kashizadeh@yahoo.com

خویش به بازیابی نهاد دینی و کنترل عملکرد خویش پرداخته است و از سوی دیگر تأثیر عمیقی در حل بحران در فضای جامعه به صورت کلی داشته است.

واژگان کلیدی: دین، بحران، کرونا، کارکردهای فردی، کارکردهای اجتماعی.

### مقدمه

یکی از مباحث مورد مطالعه اندیشمندان حوزه کلام، کارکردهای دین است. این مسئله در فضای کلام جدید به عنوان روشی برای پاسخ به موضوع «انتظار بشر از دین» و «گستره شریعت» طرح می‌شود. مسئله کارکردهای دین در کلام اسلامی و کتاب‌های اعتقادی متکلمان پیشین نیز با عناوینی همچون آثار دین، آثار ایمان، نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، فوائد بعثت پیامبران و... مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. لکن از آن جهت که علوم انسانی در دو سده اخیر رشد و تحول یافته و زمینه رفع بسیاری از نیازهای فردی و اجتماعی را فراهم کرده است، این پرسش نوظهور مطرح شده است که آیا با توجه به کارکردهای علوم انسانی و اجتماعی، به ویژه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، کارکردی برای دین می‌ماند؟ آیا می‌توان نقشی را برای دین در زندگی فردی و اجتماعی قائل شد؟ (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۲۷۷).

مفهوم «کارکردهای دین»، پیشینه‌ای جامعه‌شناسانه دارد. مراد

جامعه‌شناسان از مفهوم «کارکرد» (Function) و «کارکردگرایی» (Functionalism) اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارند. بر اساس نظر کارکردگرایان، آثار مورد انتظار، دستاورد ساخت‌های اجتماعی است: «فونکسیونالیسم، کارکردها را به ساختارها نسبت می‌دهد؛ زیرا معتقد است که نظم و ترتیب‌های اجتماعی که جامعه‌شناسان، ساخت می‌دانند، دارای اثرهای به‌سامانی هستند که ناشی از شیوه خاص سازمان‌یافتن این ساخت‌هاست» (اکسیدمور، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲).

کارکردگرایی، گزاره‌ها و باورهای دینی را از زاویه عملی و کارکردی ارزیابی می‌کند و نگاه معرفت‌شناسانه و واقع‌گرایانه به قضایا و گزاره‌های دینی ندارد؛ گرچه هر انسان متدینی به صدق گزاره‌های دینی اذعان دارد و با یک تلازم منطقی، از صدق گزاره‌های دینی به فایده داشتن آنها سوق پیدا می‌کند (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۲۷۹). در این نگرش به حق یا باطل بودن گزاره‌های دینی توجهی نمی‌شود؛ بلکه پرسش این است که ایمان به گزاره‌های دینی، چه منش و شخصیتی از مؤمنان می‌سازد و تأثیرات منفی و مثبت آن چیست؟ دین تا چه اندازه نیازهای آدمیان را برآورده کرده است؟ دین چه خدمات فردی و اجتماعی برجای گذاشته و آیا اصولاً می‌توان با نگرش بی‌طرفانه — نه مؤمنانه و نه منکرانه- حسناتی به دین نسبت داد؟ (همان، ص ۲۸۰). این پرسش‌ها را می‌توان به صورت موردی در مورد تکتک گزاره‌های دینی طرح کرد و مجموعه دین را در قبال پرسش‌های مذکور، پاسخگو دانست.

توجه به این نکته لازم است که در این مقال با نگاه کارکردی، دین و کارکردهای دین مطالعه می‌شود و نگاه کارکردی، تفاوتی عمده با روش کارکردگرایی دارد؛ پیش‌فرض روش کارکردگرایی و پراگماتیک این است که صدق به معنای مصلحت و منفعت‌گرایی است، نه به معنای مطابقت با واقع؛ به همین دلیل فیلسوفانی که به غیرشناختاری بودن زبان دینی گرایش داشتند، به طور عمده از کارکردها و آثار دین سخن گفته‌اند؛ به‌ویژه فیلسوفان مسیحی که به بشری بودن و خطاپذیری کتاب مقدس، معتقد بودند. اما روش کارکردی که به آثار، خدمات و حسنات دین توجه دارد و آنها را شناسایی می‌کند، پیش‌فرض‌هایی از قبیل نفی شناختاری بودن زبان دین و نفی نظریه مطابقت را بر نمی‌تابد؛ به همین دلیل معتقدان به نظریه مطابقت و واقع‌نمایی گزاره‌های دینی نیز می‌توانند از کارکردهای دین سخن بگویند (همان، ص ۲۸۱-۲۸۲).

آنچه دین‌شناسان با نگاه کارکردی در مورد دین بدان می‌پردازند، نقش و تأثیر دین در زندگی فردی و اجتماعی در شرایط عادی است. لکن مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که در شرایط بحرانی کرونا، که نظام زندگی فردی و اجتماعی در ساحت‌های مختلف گرفتار اختلال شده است، کرونا چه تأثیری بر زندگی دینی مسلمانان داشته است و ثانیاً دین چه تأثیری در قدرت تصمیم‌گیری افراد مؤثر در ساختار اجتماعی، کاهش یا افزایش تنش‌های فردی و اجتماعی و برهم‌خوردن یا ایجاد تعادل سیستمی ساخت‌های اجتماعی دارد؟ به عبارت دیگر این پژوهش قصد دارد، تعامل دو وجهی

ارتباطی دین و کرونا را مورد بررسی قرار دهد.

### بحران چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱۷۳



بررسی‌های  
تاریخی  
بحران‌گرد

بیماری کرونا عام‌البلوا بوده و فضای دینی را نیز همچون دیگر جنبه‌های زندگی بشری، به شدت متأثر کرده است. تعطیلی مراکز مذهبی و تعلیق مناسک جمعی از مهم‌ترین آثار زیان‌بخش بحران کرونا به حساب می‌آید؛ اما آیا می‌توان کرونا را بحران تلقی کرد؟ اگر کرونا را بحران بدانیم، چه تمهیداتی برای مقابله با آن نیاز داریم؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است به تبیین و بررسی چیستی بحران و اصلی‌ترین مؤلفه‌های آن بپردازیم. بحران در ساحت‌های مختلفی همچون پزشکی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عاطفی، تاریخی و... تعریف شده است. لکن می‌توان با رویکرد سیستمی نگاهی عام به بحران داشت و آن را این‌گونه تعریف کرد: «بحران وضعیتی است که در آن، یک سیستم یا بخش‌هایی از آن، مختل (یا تهدید به اختلال) شده و تغییرات ناگهانی یا مخرب در یک یا چند متغیر سیستمی اساسی، باعث بی‌ثباتی کل سیستم گردد» (Hermann C. ۱۹۷۲). اگرچه این تعریف معطوف به بحران‌های بین‌المللی است، لکن با اطلاق عنوان سیستم به هر مجموعه‌ای متشکل از متغیرهای متعامل با هم، مانند کل یک کشور، یک منطقه از یک کشور، یک شهر و حتی گروه‌های کوچک‌تری مانند مدارس یا شرکت‌های تجاری، می‌توان تعریف را به همه مجموعه‌های این‌چنینی تعمیم داد و مدعی شد که هر کدام از این سیستم‌ها با

پیدایش اختلال جدی در کل یا بخشی از حوزه خود، دچار بحران می‌شوند. برای مثال قطع برق سراسری (به عنوان اختلال در خرده سیستم حیاتی) یک شهر مدرن و یا وقوع زلزله‌ای جدی در همان شهر (به عنوان بروز اختلال در کل سیستم) می‌تواند چنین شهری را به درجات مختلف، در بحران فرو برد (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

نگاه سیستمی به بحران، متضمن در نظر داشتن مفهوم تعادل است؛ زیرا بحران، زمانی اتفاق می‌افتد که سیستم از حالت تعادل خارج شده باشد و توان کنترل و مدیریت سیستمی از دست برود (همان، ص ۱۴). با محوریت مفهوم تعادل، می‌توان این تعریف را برای بحران، تعریفی قابل قبول دانست: «بحران وضعیتی است که در آن، فرایند تغییر در سیستم به گونه‌ای درمی‌آید که ثبات و تعادل سیستم به‌شدت و با آینده‌ای نامطمئن به خطر می‌افتد و ضرورت اقدام هر چه سریع‌تر برای اعاده آن یا برقراری نظمی جدید احساس می‌شود» (Rapoport, ۱۹۶۸).

بر این اساس، عدم تعادل در سیستم تنها زمانی رخ می‌دهد که نیروهای متمایل به بازگرداندن موازنه نتوانند عمل کنند (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۱۶). با تکیه بر مفهوم تعادل و نقش آن در حفظ و کنترل یک سیستم در جلوگیری از ورود به بحران یا کنترل حداکثری شرایط بحرانی، می‌بایست مؤلفه‌های اساسی در تعادل را مورد مطالعه قرار داد. از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری و تعادل در نگاه سیستمی، مفاهیم اعتبار و اعتماد هستند. مفاهیمی همچون اعتماد و اعتبار را می‌توان به همه سیستم‌های انسانی و اجتماعی تعمیم داد.

از این نظر، همه سیستم‌های انسانی- اجتماعی، خواه به صورت یک کشور، خواه شرکت تجاری یا سازمان دولتی، بقا و دوام خود را بیش از هر چیز به باور و اعتماد ذی‌نفعانشان و به بیان دیگر، به اعتباری که این ذی‌نفعان به سیستم می‌دهند مدیون هستند (همان، ص ۲۱). بر این اساس حالت بحرانی زمانی اتفاق می‌افتد که در ذی‌نفعان احساس وخامت، عدم کنترل، درک خطر و ضرورت واکنش ایجاد شود. این امر به معنای تلفیق رویکرد سیستمی و تصمیمی است؛ زیرا در رویکرد تصمیمی، بحران تنها وقتی وجود دارد که عنصر تصمیم‌گیرنده این‌چنین درک می‌کند. هیچ وضعیتی هر قدر هم غیرعادی، بحران نیست، مگر آنکه موجودات انسانی آن را این‌چنین تعریف کنند (همان، ص ۲۳).

عموماً سه ویژگی را به عنوان شرط اصلی تعریف بحران ذکر کرده‌اند: (۱) تهدید، (۲) غافل‌گیری و (۳) فشار زمانی. به عبارت دیگر برای آن‌که فرد یا گروه درگیر صحنه، اوضاع را بحرانی بدانند، باید عملاً احساس کند که هدف‌های دارای اولویت بالای واحد (سیستم) تصمیم‌گیری، تهدید می‌شود. ثانیاً در برخورد با تهدید غافل‌گیر شود و ثالثاً احساس کند که زمان موجود برای پاسخ‌گویی به تهدید، محدود است (Hermann C., ۱۹۶۹).

از سوی دیگر کورال بل (Bell, ۱۹۷۱) معتقد است که بحران‌ها، موقعیت‌های مستلزم پاسخ‌دهی آنی و اختصاص منابع فوق‌العاده هستند. لزوم اختصاص منابع فوق‌العاده بسیار بیش از آنچه در زمان عادی برای پاسخ‌گویی به مسئله مشابهی لازم است، ناشی از برخی علل است از جمله:

مشکل فقدان کنترل بر اوضاع، افزایش ناگهانی حجم مسائل پیش روی تصمیم‌گیرندگان، همراه با سرعت تحولات (که انجام واکنش‌های سریع را می‌طلبد)، کمبود اطلاعات (که باعث انجام اقدامات موازی و گاه خنثی‌کننده یکدیگر می‌شود)، عدم قطعیت نسبت به آینده (که باعث تردید در اثربخش بودن اقدامات و بنابراین، در نظر گرفتن اقدامات پشتیبانی و ذخیره اقدام اصلی می‌شود) تصمیم‌گیران را وامی‌دارد تا هزینه بسیار بیشتری را صرف تصمیم‌گیری و اجرا نمایند. (حسینی، ۱۳۸۵، ص ۴۴).

بر اساس مباحث پیش‌گفته، می‌توان تعریفی از بحران ارائه کرد که مشتمل بر رویکرد سیستمی از یک سو و رویکرد تصمیمی از سوی دیگر باشد؛ یعنی علاوه بر مطالعه سیستم به عنوان امر مختل‌شده به نحوه عملکرد تصمیم‌گیران اثرگذار در سیستم نیز پرداخت:

بحران عبارت است از تهدیدی جدی که نسبت به ساخت‌های زیربنایی و یا ارزش‌ها و هنجارهای اساسی یک سیستم، که مورد ادراک ذی‌نفعان بوده و تحت فشار زمانی و محدودیت گزینه‌ها؛ در شرایط عدم قطعیت شدید و احساس کاهش کنترل، اتخاذ تصمیمات حیاتی، دقیق و پرهزینه‌ای را الزامی می‌سازد (همان، ص ۴۷).

بر این اساس فرایند شکل‌گیری بحران با بروز تهدید جدی نسبت به ساخت‌های اساسی و یا ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین یک سیستم آغاز می‌شود. به طور معمول، آماج تهدید با مرگ و بقای سیستم مرتبط بوده و کارکردهای حیاتی سیستم را مختل یا تهدید به اختلال می‌نماید. خطر حاصل



از تهدید، زمانی به اوج می‌رسد که تصمیم‌گیرنده متوجه دو پدیده (واقعی/ کاذب) دیگر بشود: اول، احساس اینکه قدرت کنترل بر اوضاع کاهش زیادی یافته (در غیر این صورت واکنش عادی نشان خواهد داد) و دوم اینکه سایر ذی‌نفعان مرتبط با سیستم در خطر، تهدید را باور کرده و جدی گرفته باشند. در چنین حالتی، پنج احساس دیگر، برداشت تصمیم‌گیرنده را از بحران، تکمیل می‌کند:

- احساس اینکه انجام سریع واکنش، ضروری است
- احساس محدودیت و فشار زمانی.
- احساس محدودبودن گزینه‌های تصمیمی
- احساس اینکه حل مسئله، نیازمند صرف منابعی بیش از وضعیت عادی است
- احساس عدم قطعیت، بلا تکلیفی و احتمالاً غافل‌گیری (حسینی، ۱۳۸۵، ۴۵-۴۶).

در بیماری کرونا سه رکن اصلی اطلاق بحران (تهدید، غافل‌گیری و فشار زمانی) وجود دارد؛ همه ارکان ساخت‌های اجتماعی گرفتار تهدید جدی شده‌اند. این بیماری سرایت‌پذیر بوده و به‌شدت و با سرعت زیادی شیوع پیدا می‌کند و در حال حاضر همه جهان را درگیر خودکرده است. عامل درمان یا پیشگیری مشخصی ندارد و بشر هنوز نمی‌داند تا چه زمانی باید به دنبال راه حل قطعی کنترل کرونا باشد. همچنین کنترل شرایط کرونایی، نیازمند صرف منابعی بیش از وضعیت عادی است؛ چرا که اولاً عمومیت و فراگیری آن بخش عظیمی از جامعه را درگیر می‌کند و منابع

درمانی متعارف، پاسخگوی مراجعه همزمان این اندازه از مراجعه‌کننده نیست. از سوی دیگر به علت واگبری سریع و ساده بیماری، برای کنترل آن، نیازمند مختل کردن هر گونه تجمع و فعالیت‌هایی است که جنبه تعاملی دارد و به همین دلیل جامعه پس از دوره‌ای کوتاه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گرفتار اختلالات شدید (به‌خصوص در بخش اقتصادی) می‌گردد. سازمان دینی نیز همچون دیگر ابعاد زندگی بشر، بر اثر بیماری کرونا گرفتار بحران شده است یا دست‌کم می‌توان گفت که بحران کرونا اثرات بسیار عمیقی بر سازمان دین گذاشته است.

### بحران کرونا، تهدید یا فرصت

بحران کرونا علاوه بر آنکه یک تهدید جدی و ویرانگر اجتماعی به حساب می‌آید و همه نهادهای اجتماعی را نیز به شکلی درگیر کرده است، محل بروز و ظهور فرصت‌ها و شکوفایی برخی از استعدادها و فردی و اجتماعی نیز شده است. در ادامه برخی از فرصت‌ها و استعدادهایی که این بحران برای دین ایجاد کرده است را بررسی می‌کنیم:

#### الف) خودآگاهی نسبت به ناتوانی و ضعف بشریت

کرونا موجب شد تا انسان به میزان ناتوانی و ضعف خویش پی ببرد و از حالت سرکشی و غرور تا حدودی دور گردد. جامعه جهانی دریافت که ادعای کفایت انسان برای رفع مشکلات، جز خامی و ساده‌اندیشی نیست.

این کج‌اندیشی به‌سادگی زمینه اختلال اجتماعی در کل جهان را پدید آورد و در حالی که همه در پی حل معضل کرونا هستند، با وجود پیشرفت علمی بسیار زیاد، پس از گذشت حدود یک سال هنوز هیچ‌کس نتوانسته است راه حل قطعی پیش‌گیری و درمان آن را ارائه کند.

### ب) مواجهه با پدیده مرگ از نزدیک و غفلت‌زدایی

یکی دیگر از آثار مفید کرونا غفلت‌زدایی و ایجاد مواجهه عمیق با مرگ در انسان‌ها بود. غفلت ناشی از روزمرگی، آسیبی است که برای تمامی دوره‌ها قابل تصور است، اما انسان در دوران مدرن بیش از هر زمان دیگری گرفتار این مشکل بزرگ شده است. ابزارهای نوین که وجه غالب همه آنها سرگرم‌کنندگی و غفلت‌افزایی است، برای بشر چیزی جز نسیان به ارمغان نیاورده است. کرونا مرگ را برای همه انسان‌ها، امری ملموس و محسوس ساخت و آن‌چنان همگان را درگیر خود کرده و قربانی می‌گیرد که هیچ‌کس خود را از مرگ ایمن نمی‌بیند. این حالت هشجاری به محدودبودن زندگی و فناپذیری، اولین نقطه آگاهی و تذکر جهت واقعی‌تر دیدن جهان مادی و تلنگری جهت آمادگی سفر به جهان ابدی است.

### ج) ایجاد حس همدلی بین اقشار مختلف و ترحم نسبت به آسیب‌دیدگان

یکی دیگر از فرصت‌های کرونایی، مانند دیگر آسیب‌های جمعی، ایجاد حس همدلی و همگرایی اجتماعی است. بحران‌ها فرصت‌هایی ایجاد می‌کنند تا افراد جامعه با همگرایی بیشتر به حل مشکل همدیگر بپردازند. البته

همگرایی لزوماً در جهت حل مشکل نیست؛ چه‌بسا حس ترحم و دلسوزی نسبت به دیگران افزایش یابد، اما به هر حال موج همراهی و همدلی و همگرایی اجتماعی، متأثر از آسیب‌های عمیقی است که بحران‌ها ایجاد می‌کنند.

#### د) بازنگری در عادات دینی در مواجهه با تعطیلی برخی مراسم

از آنجا که بیشتر مراسم دینی تکرار شونده هستند، به‌مرور زمان به شکل عادت درمی‌آیند. تبدیل شدن یک آئین به عادت اگرچه سبب تسهیل انجام آن آئین می‌شود، اما آفاتی نیز دارد؛ از همین رو امیر مؤمنان<sup>ع</sup>، آفت عبادت را غلبه عادت می‌خوانند. «أَفَةُ الرِّيَاضَةِ غَلْبَةُ الْعَادَةِ» (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۳۰۳). آئین‌های مذهبی را باید بر اساس اختیار و قصد قربت انجام داد نه بر اساس عادت و بدون توجه به فلسفه و غایت آن آئین یا مناسک. تعطیلی برخی از مراسم مذهبی برای حفظ پروتکل‌های بهداشتی که پشتوانه شرعی نیز دارد (مانند لزوم حفظ جان خود و دیگران) این اثر مثبت را داشت که مؤمنان را به تأمل وادارد که تا چه حد در عبادات خویش به دنبال اطاعت از فرمان‌ها الهی بوده‌اند و تا چه حد این آئین‌ها و مراسم در زندگی‌شان به شکل عادت درآمده است. در حقیقت این زمینه‌ای جهت رشد معنوی مؤمنان به حساب می‌آید تا بتوانند میزان خلوص بندگی و اطاعت‌پذیری خویش را از فرمان‌های الهی به سنجش بگذارند.

#### ه) پررنگ شدن ارزش ایثار و از خودگذشتگی

ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی تا در حوزه نظر هستند و پیش از صحنه عمل، برای همه یکسان جلوه می‌کنند؛ اما زمانی که موعد عمل فرارسد، انسان‌ها را می‌توان به لحاظ پای‌بندی به فضائل مورد سنجش قرار داد و مقایسه کرد. در این فضاهاست که میزان پایبندی به ارزش‌های واقعی و فضیلت‌های اخلاقی جلوه‌گر می‌شود. از مهم‌ترین و والاترین ارزش‌های اخلاقی، ایثار و از خودگذشتگی است. شرایط کرونایی نشان داد که تنها افرادی می‌توانند در راه حفظ سلامت دیگر انسان‌ها به میدان خطر وارد شوند که بتوانند از جان خویش بگذرند... صرفاً شعار در این میدان، کارساز نیست.

#### و) ایجاد فضای فهم هرچه بهتر از آموزه امر به معروف و نهی از منکر (در خصوص پیشگیری از شیوع کرونا)

ویروس کرونا نشان داد در جایی که سرنوشت جامعه مطرح باشد، نمی‌توان تساهل و تسامح به خرج داد و برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و درمان آنها می‌بایست مقررات سخت‌گیرانه وضع نمود. این ویروس به سادگی، عقلانیت آموزه امر به معروف و نهی از منکر را جلوه‌گر ساخت. فرد مبتلا به کرونا حق ندارد، مریضی‌اش را امری شخصی بداند و بی‌توجه به اثرات مخرب اجتماعی، بدون حفظ پروتکل‌های بهداشتی به اجتماعات وارد شود؛ همین استدلال در همه امور شخصی که

اثرات اجتماعی دارد، قابل و تعمیم است.

## نقش دین در حل بحران کرونا

(الف) در بازیابی نهاد دینی در بحران کرونا

(۱) تأکید دین بر عبودیت در ضمن عبادت

تأکید ویژه دین بر تقویت اطاعت‌پذیری در ضمن عمل به دستورات و فرمان‌های دینی است. بر این اساس متدینان می‌بایست غایت و هدف انجام فعل دینی را اطاعت الهی در نظر گرفته و فقط در جهت انجام دستورات دینی و عمل به آنچه از سوی خدا خواسته شده عمل نمایند و در حقیقت با انجام فعل عبادی به وصف عبودیت متصف گردند. عبادت از مقوله «فعل» و عمل است که انسان انجام می‌دهد، اما عبودیت «صفت» است که انسان به آن متصف می‌شود. در اصطلاح گفته می‌شود فلانی «صفت عبودیت» دارد، اما نمی‌گویند «صفت عبادت» دارد (بلکه فاعل آن است)؛ چرا که عبودیت به معنای اسم مصدری در نظر گرفته می‌شود.

در حقیقت مراد از عبودیت و بندگی، رسیدن به درجه‌ای از معرفت و خلوص قلبی و درجه وجودی است که در آن مرتبه، شخص هیچ اعتباری برای خود و دیگر مخلوقات قائل نیست و جز خدا هیچ نمی‌بیند و همه موجودات و از جمله خود را بند به اراده خدا می‌یابد؛ لذا بنده خدا (بند شده به خدا) نامیده می‌شود.

این ویژگی، زمینه انطباق‌پذیری دین در شرایط مختلف را فراهم می‌کند. زیرا در صورتی که شرایط انجام عبادت تغییر کند، آنچه زمینه حفظ هویت دینی فرد متدین را فراهم می‌کند، روح حاکم بر افعالی است که انجام می‌دهد و به همین علت، مؤمنان گرفتار سردرگمی ناشی از تغییرات شرایط انجام فعل نخواهند شد. آنچه برای یک مؤمن در درجه اول اهمیت دارد، اطاعت از فرمان الهی است نه انجام فعل خاص. از همین رو متدینانی که هدف انجام فعلشان اطاعت باشد، گرفتار سردرگمی و اضطراب ناشی از تغییر شرایط انجام فعل نخواهند شد.

## ۲) استفاده از زیرساخت‌های نوین و تعریف مفاهیم جمع‌گرایانه جدید

رشد و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی سبب شده است تا دین نیز بتواند مانند دیگر نهادهای اجتماعی، مفاهیم جمع‌گرایانه مذهبی را توسعه بخشد. نهاد دین با استفاده از فضای ارتباط مجازی در بسیاری از زمینه‌ها توانست ارتباط خویش را با جامعه ایمانی حفظ کند و پاسخگوی نیازهای معنوی ایشان باشد. در حقیقت ممکن بود بحران کرونا بیشترین آسیب را بر پیکره نهادهای اجتماع‌محور وارد کند، لکن نهاد دین توانست با استفاده حداکثری از زیرساخت فضای مجازی، این آسیب را کاهش دهد.

## ۳) خلاقیت‌های مؤمنان در راستای احیای شعائر دینی

علاوه بر بستر مجازی، برخی خلاقیت‌ها در فضای فیزیکی و حقیقی نیز توانست به حفظ دین در شرایط کرونا کمک کند. به عنوان مثال تغییر

چهره فضای شهری، انجام مراسم به صورت محدودتر در فضای باز، راه‌اندازی هیئت‌های سیار و بردن فضای هیئت به کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر و در منازل از جمله خلاقیت‌هایی بوده است که توانست به حفظ و بازیابی نهاد دین در بحران کرونا کمک کند.

#### ۴) پاسخ‌گویی به برخی شبهات و روشن‌شدن هرچه بیشتر فضای فکر دینی

بحران کرونا تنها در تعطیل‌کردن آئین‌های اجتماعی دینی، بحران‌زا نبوده است؛ بلکه از بعد فکری نیز برای دین بحران ایجادشده است. این بحران‌های فکری بعضی بسیار عمیق و ماندگار هستند و برخی دیگر بسیار سطحی و زودگذر. ساختارهایی دینی که بتوانند با پشتوانه عقلانی مناسب و قوی پاسخگوی شبهات فکری ناشی از بحران کرونا باشند، آسیب‌های فکری را به حداقل می‌رسانند. آسیب‌های فکری ایجادشده ناشی از بحران کرونا، لزوماً جدید و بدون پیشینه نیستند، لکن به لحاظ اینکه در شرایط خاصی پدید آمده‌اند، نیازمند بازخوانی شبهات و ارائه پاسخ‌های به‌روز، مستدل و منطبق با شرایط فکری در فضای کرونایی است. برخی از مسائل فکری ناشی از کرونا عبارت‌اند از: خدا و مسئله شر، انتظار بشر از دین، شفای دینی در گستره فردی و جمعی، عصمت امام و آلودگی کرونا.



## ب) در حل بحران کرونا

### ۱) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و قانون‌مداری

یکی از پیامدهای زیبا و ستودنی رفتار دینی در فضای تعامل اجتماعی ایجاد تعهد اخلاقی نسبت به قوانین و الزامات قانونی است. فرد دین‌دار از آنجا که پایبندی به قوانین حاکمیتی (به‌خصوص حاکمیت دینی) را گونه‌ای تعهد دینی تلقی می‌کند، عمل به قوانین و الزامات قانونی را در راستای عمل به دستورات الهی می‌داند. چنین تعاملی با قوانین اجتماعی از سوی دین‌داران، زمینه‌ساز گونه‌ای رابطه اطمینان‌بخش میان دولت- ملت می‌شود. در نتیجه حاکمیت می‌تواند با اطمینان خاطر، قوانین سخت‌گیرانه‌ای وضع کند و از عمل به مقتضای قوانین مذکور، آرامش داشته باشد. هرچه سطح دین‌داری شهروندان بالاتر رود، سطح تعامل مثبت آنها با قانون‌گزاران و مجریان قانون بیشتر می‌شود به‌صورتی که در جامعه ایران می‌توان این را تفاوت را در تبعیت از قانون بین دو قشر مذهبی تشکیلاتی (اهالی مسجد و هیئت) شاهد بود. دولت به صورت مطلق، سفرهای بین‌شهری را در شیوع کرونا مؤثر می‌داند و توصیه به جلوگیری از رفت و آمدهای بین‌شهری می‌کند؛ اما در جایی این قانون بیشتر در فضایی جامه عمل می‌پوشد که رنگ و بوی مذهبی دارد؛ مانند سفرهای زیارتی. قشر بیشتر مذهبی جامعه ایران در عین تعلق خاطر شدید به مشاهد مشرفه و برنامه‌ریزی جهت سفرهای زیارتی، با توجه به قوانین اعلام‌شده از سوی مسئولین حاکمیتی،

سفرها را تعطیل کردند.

برنامه‌های دینی تعطیل شده در دوران کرونا در ایران، مانند زیارت اربعین و عزاداری جمعی ایام عاشورا و تاسوعا از بزرگترین مراسم دینی هستند که به انگیزه تابعیت از قانون تعطیل شدند و هیچ بحران اجتماعی ناشی از تعطیلی این دو مراسم ایجاد نشد. این در حالی است که در نقاط مختلف جهان اعتراض‌های سراسری اجتماعی جهت برگزاری جشن‌ها و تفریحات عمومی انجام می‌شود.

## ۲) عقلانیت دینی

ادیانی که پشتوانه عقلانی مناسب دارند و البته به رشد عقلانی در کنار رشد معنوی اهمیت نشان می‌دهند، زمینه رشد عقلانی مخاطبان خویش را فراهم می‌آورند و مؤمنان می‌توانند در همه شرایط، بهترین و مؤثرترین تصمیم را اتخاذ نمایند. روایات مختلفی اشاره دارند که عقل راهنمای مؤمن است. از جمله نقل است که امام صادق (ع) فرمود: «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۵) از مضمون این دسته از روایات برمی‌آید که مؤمنان کارها و فعالیت‌های خویش را بر اساس معیارها و ملاک‌های عقلانی سامان می‌دهند و به صورت مطلق را به استفاده از عقل تأکید می‌کنند و کسی که بخواهد به صفت ایمان متصف باشد، موظف است که برنامه زندگی‌اش را بر عقل بنا کند.

نوع تعامل عقل‌گرا و مبتنی بر عقلانیت را می‌توان در عملکرد رهبر

انقلاب به‌وضوح مشاهده نمود. تأکید بر محوریت وزارت بهداشت در مقابله با کرونا، تبعیت مطلق از تصمیمات ستاد مقابله با کرونا و همچنین دستور اکید به همه پیروان و مقلدان و آحاد مردم به یکپارچگی و جلوگیری از تشتت، تفرقه و چندگانگی، همه از مصادیق تقویت بعد عقلانیت اجتماعی ناشی از عقلانیت دینی است.

### ۳) مواسات همدلی (زیرساخت معنوی) از سوی رهبر معنوی ایران

رهبر انقلاب اسلامی در موارد مختلفی بر اساس این اصل که آحاد جامعه دینی در رشد دینی جامعه سهیم هستند و نمی‌توان برخی از نقش‌ها را تنها از دولت و حاکمیت انتظار داشت. همچنین از این باب که جامعه متعلق به تکتک افراد جامعه است و همه افراد باید در ساختن جامعه سهیم باشند، فراخوان‌های عمومی جهت ورود مردم در حل مشکلات می‌دهد. این شیوه تعامل حاکمیت با ملت از ابتدای انقلاب نیز سابقه داشته است و امام خمینی<sup>ع</sup> نیز در فراخوان‌های متعدد نظامی و اقتصادی به آحاد ملت داده بود.

در بحران کرونا نیز ایشان در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت نیمه شعبان با اشاره به مشکلاتی که به خاطر کرونا برای برخی مردم پیش آمده بود، طرح مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه را جهت پشتیبانی از اقشار آسیب‌دیده ناشی از بحران کرونا را مطرح کردند: «ماه رمضان، ماه انفاق و ایثار و کمک به مستمندان است؛ چه خوب است که یک رزمایش

گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت» (khamenei. ir, ۱۳۹۹).

هدف از این پویش، فراگیر شدن مفهوم مواسات در جامعه اسلامی است. در بیان ایشان، مواسات یعنی «همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه‌ی امور. انسان وظیفه بدانند؛ کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبرویی» و «یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن» (khamenei. ir, ۱۳۹۹). استفاده از اصطلاح «مواسات» که از فضای دینی اقتباس شده است و برادران دینی را جهت کمک به همدیگر فراخوان می‌کند، تنها می‌تواند بر اساس فرهنگ دینی قابل فهم و تبیین باشد.

#### ۴) فرهنگ شهادت در مبارزه با ویروس کرونا

در فرهنگ اسلامی، شهادت جایگاهی بس رفیع دارد و کسی که بتواند با جهاد در راه خدا کشته شود مفتخر به عنوان شهید شده و از بالاترین مراتب و نعمت‌های بهشتی بهره‌مند می‌شود. خداوند کریم در قرآن می‌فرماید که شهدا نزد خداوند و زنده هستند و نمی‌توان آنها را مرده خطاب کرد.<sup>۱</sup> از همین رو مؤمنان راستین همیشه طالب این افتخار عظیم بوده و مترصد

۱. آیه قرآن مربوطه.

فرصتی برای کسب این نعمت عظیم هستند. دعا‌های مختلفی نیز جهت رسیدن به این سعادت ابدی وارد شده است. در برخی موارد در ادعیه، شهادت تبعیت و ادامه راه ائمه حق یا زمینه‌ساز تحقق حکومت حق خوانده شده است.<sup>۱</sup>

این ارج و قرب نشان از اوج ایثار و فداکاری و ازجان‌گذشتگی فرد در پیشگاه الهی دارد و خداوند متعال در ازای معامله جان، بهشت را به شهدای راه حق ارزانی می‌دارد.<sup>۲</sup> در بحران کرونا با توجه به ازخودگذشتگی جامعه پزشکی و تلاش جهادگونه و پرخطر ایشان که رویارویی مستقیم با مرگ را ایجاب می‌کرد و بسیاری از جامعه پزشکی را به کام مرگ کشید، و از آنجا که خدمات ارائه‌شده از سوی جامعه پزشکی برای نجات و احیای جامعه دینی و انسانی بود، از سوی رهبر جمهوری اسلامی که پشتوانه معنوی جامعه نیز به حساب می‌آید، جان‌باختگان عرصه خدمت‌گزاری بحران کرونا به عنوان «شهید خدمت» محسوب شدند. این تعامل که به درخواست وزیر بهداشت و موافقت رهبر انقلاب صورت پذیرفت، فعالیت‌های صورت‌گرفته در حوزه سلامت و بهداشت در مبارزه با کرونا را به‌کلی رنگ و بوی دینی بخشید. از سویی نگاه عمومی جامعه به خدمات انجام‌شده در حوزه سلامت و خدمت‌گزاران این عرصه متحول شد و از سوی دیگر تلاشگران این عرصه خود را زیر چتر حمایتی نهادها و جامعه دینی

۱. دعای عهد.

۲. ان الله اشتری من المؤمنین اموالهم و انفسهم بان لهم الجنة.

می‌دیدند. با این حکم عموم مردم و فعالان دینی مانند مداحان و سخنرانان دینی به تجلیل از ایثارگران حوزه سلامت پرداختند و در مناسبت‌ها و مراسم مختلف حتی در غیاب کادر پزشکی، به صورت ویژه از آنان یاد کردند. مقام معظم رهبری نیز با پیشنهاد دکتر نمکی مبنی بر شهید خدمت خواندن جان‌باختگان کادر پزشکی، پرستاری، بهداشتی و خدماتی در خدمت‌رسانی به بیماران مبتلا به ویروس کرونا موافقت فرمودند.

#### ۵) نقش مساجد، هیئت‌ها و دیگر اماکن مذهبی به عنوان کانون‌های اثرگذاری اجتماعی

مسجد در فرهنگ اسلامی، صرفاً محلی برای برگزاری انجام نیایش نیست؛ بلکه می‌توان مسجد را به عنوان مهم‌ترین کانون اثرگذاری اجتماعی تلقی کرد. لکن در بسیاری از موارد از این محیط مقدس به صورت حداقلی و صرفاً جهت برگزاری مراسم دینی استفاده می‌شود. در بحران کرونا از آنجا که هرگونه تجمع می‌توانست به شیوع هرچه بیشتر این ویروس کمک کند، محدودیت‌های مختلفی برای نهادهای دینی در نظر گرفته شد که در برخی موارد (بسته به میزان شیوع کرونا) حتی نماز جماعت مساجد نیز تعطیل شد. در این زمان متولیان امور مساجد، حتی مساجدی که تا پیش از شیوع کرونا، فعالیتشان محدود به نماز جماعت بود، به فکر احیای دیگر کارویژه‌های مساجد شدند تا از تعطیلی این محیط مهم و اثرگذار اجتماعی جلوگیری شود. برخی از فعالیت‌هایی که در دوران کرونا توسط مساجد

پیگیری شد و در کنترل کرونا مؤثر نیز بودند عبارت‌اند از: گنزدایی از مکان‌های عمومی پیرامون مساجد، رسیدگی به افشار آسیب‌دیده از کرونا و توسعه فعالیت‌های دینی در فضای مجازی.

این نکته نیز قابل توجه است که سهم اماکن مذهبی در شیوع ویروس کرونا به ۴ درصد نمی‌رسید. اماکنی که آلودگی در آنها بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بود، پس از مدتی بازگشایی شدند در حالی که مساجد جزء آخرین مکان‌های عمومی کم‌خطر بودند که بازگشایی شدند. نکته مذکور چند ملاحظه در مورد مساجد را پررنگ می‌کند: اول آنکه میزان رعایت موارد بهداشتی در مساجد از دیگر اماکن عمومی بالاتر بود. یکی به این علت که در نماز جماعت می‌توان فاصله نمازگزاران را تا حدود ۱.۵ متر رعایت کرد و دیگر آنکه عموماً سقف مساجد بلند است و با استانداردهای تعیین‌شده از سوی وزارت بهداشت مطابقت دارد. به علاوه، مدت زمان نماز جماعت را می‌توان تا حدود ۱۰ الی ۱۵ دقیقه کاهش داد. همچنین مراکز دینی به دلیل لزوم تبعیت از قوانین جامعه دینی به صورت حداکثری، موارد خواسته‌شده از سوی وزارت بهداشت را رعایت می‌کردند.

هیئت‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل و جلوگیری از شیوع هرچه بیشتر ویروس کرونا داشتند. از سویی شعار عمومی هیئت‌ها در دوره شیوع کرونا این شد که هیئت تعطیل شدنی نیست و بر این اساس با تغییر شکل فعالیت و حفظ هویت جمعی و پیوستگی میان اعضای هیئت، فعالیت هفتگی هیئت‌ها به خدمت‌گزاری اجتماعی مبدل گردید. با راهنمایی و

سفارش افراد ذی‌نفوذ هیئت‌های مذهبی، هزینه‌های برگزاری مراسم محرم و دیگر مراسم مذهبی مرتبط با هیئت‌ها، صرف خدمات اجتماعی گردید. همچنین هیئت‌ها با روش‌های خلاقانه و ابتکار عمل به جای آنکه مردم را به حسینه‌ها بکشانند، خودشان را به بستر اجتماعی متناسب با رعایت پروتکل‌ها رساندند. مراسم سیار و کاروانی، برگزاری مراسم در کوچه‌ها و مکان‌های باز و فضای ورزشگاه‌ها با رعایت فاصله متناسب، به صورتی که شرکت‌کننده‌ها هر کدام در ماشین خود حضور داشتند، حضور پررنگ هیئت‌ها در فضای مجازی (به صورت که عمده فضای پخش زنده شبکه اینترنتی آپارات و دیگر شبکه‌های ارائه‌دهنده ویدئو به صورت زنده را هیئت‌ها استفاده می‌کردند).

اماکن مذهبی همچون حرم‌های مطهر نیز به تبع دیگر اماکن عمومی در ظاهر تعطیل شدند و حتی پس از بازگشایی مکان‌های عمومی، هنوز ضریح حرم‌های مطهر و اکثر صحن‌ها به روی زیارت‌کنندگان بسته است. در عین حال این اماکن متبرک سعی کردند هماهنگ با شرایط زمانی به نحوی به مخاطبان معنوی خویش تسلی خاطر دهند. پخش بسته‌های هدیه متبرکه استان‌های مقدسه در میان بیماران کرونایی، گسترش فعالیت‌های مجازی از جمله زیارت از راه دور و امکان زیارت به صورت مجازی و رسیدگی به امور محرومان و آسیب‌دیدگان بحران کرونا، از جمله فعالیت‌های اماکن مذهبی در دوران کرونا به شمار می‌رود.

یکی دیگر از ویژگی‌ها و خصوصیات مشترک مساجد، هیئت‌ها و اماکن



مذهبی، نظم حاکم بر این سه نهاد و امکان نظم‌دهی به جامعه است. این سه نهاد به صورت مشترک اولاً توانستند خود را به صورت دقیق و منظم با قوانین محدودکننده کرونایی منطبق کنند (قواعدی که بعضاً تناقض‌آمیز بوده و گرفتار تغییرات دفعی می‌شد و موانعی بسیاری را بر سر راه هیئت‌ها و برنامه‌های مذهبی قرار می‌داد) و ثانیاً بر اساس روابطی که با مخاطبان خویش داشتند، توانستند نظم داخلی خود را در میان اعضا و سایر مردم گسترش دهند. مهم‌ترین جلوه نظم در بحران کرونا را می‌توان در هیئت‌ها مشاهده نمود. پایه و اساس شکل‌گیری هیئت، نظم است. لکن از آنجا که مراسم دینی و عزاداری بدون تکلف و فارغ از نظام‌های ساختاری و انضباط اداری‌گونه انجام می‌شود، این شائبه مطرح بود که هیچ نظم ساختاری بر هیئت‌ها حاکم نیست. البته برخی هیئت را سمبل بی‌نظمی می‌خواندند و کارهای بی‌نظم را به کارهای هیئتی مثال می‌زدند. درحالی‌که هیئت، ساختار بسیار پیچیده و منظم و درعین‌حال منعطفی دارد که می‌تواند مخاطبانی از هر قشر و طیف را در یک بستر واحد دور هم جمع کند. این زیرساخت در فضای کرونا نشان داد که تنها نهاد بزرگ اجتماعی که توانست با رعایت تمامی پروتکل‌های بهداشتی، جمعیت‌های انبوه را فراخواند و فعالیت‌های دسته‌جمعی شورانگیز - که غالباً هیجان بیش از حد این‌گونه تجمعات غیرقابل مدیریت و کنترل است - راه بیندازد، هیئت است.

## نتیجه‌گیری

۱- عموماً سه ویژگی را به عنوان شرط اصلی تعریف بحران ذکر کرده‌اند: (۱) تهدید، (۲) غافل‌گیری، (۳) فشار زمانی. در بیماری کرونا هر سه خصوصیت اصلی بحران وجود دارد؛ همه ارکان ساخت‌های اجتماعی گرفتار تهدید جدی شده‌اند، این بیماری مسری و واگیر بوده و به‌شدت و با سرعت زیادی شیوع پیدا می‌کند و در حال حاضر همه جهان را درگیر خود کرده است، عامل درمان یا پیشگیری مشخصی ندارد و بشر هنوز نمی‌داند تا چه زمانی باید به دنبال راه حل قطعی کنترل کرونا باشد. همچنین کنترل شرایط کرونایی، نیازمند صرف منابعی بیش از وضعیت عادی است.

۲- بحران کرونا در عین اینکه تهدیدی برای جامعه و نهاد دین به حساب می‌آید، فرصت‌هایی را نیز برای دین ایجاد کرده است؛ از جمله: خودآگاهی نسبت به ضعف و ناتوانی بشر، مواجهه عمیق با پدیده مرگ، ایجاد حس همدلی و ترحم بین اقشار مختلف، بازنگری در عادات دینی، پررنگ‌شدن ارزش ایثار و ازخودگذشتگی، ایجاد فضای فهم هرچه بهتر از آموزه امر به معروف و نهی از منکر.

۳- البته باید توجه داشت که اگر دین را در معنای عملکرد مؤمنان مورد مطالعه قرار دهیم، برخی از نارسایی‌های فکری، کج‌فهمی‌ها از دین و مرزهای دین و خرافه سبب ایجاد کارکردهای منفی به اسم دین در میان مؤمنان می‌شود. برخی از مؤمنان با تکیه بر اینکه ائمه، واسطه شفای بیماران هستند، حرم ایشان را حافظ سلامت شمردند و حرکاتی از جمله

لیسیدن ضریح ائمه یا برگزاری هیئت بدون ماسک و رعایت حداقل‌های بهداشتی جهت مراقبت از سلامتی انجام دادند. حتی برخی بسته‌شدن در حرم‌ها را جهت جلوگیری از اجتماعات برننافتند و درگیری‌های جزئی در مقابل حرم‌های مطهر پیش آمد و برخی از درهای ورودی حرم شکسته شد.

۴- دین دو تعامل با بحران کرونا داشته است؛ اول اینکه به بازبایی نهاد مذهبی در این بحران پرداخته است و دیگر آنکه به صورت مستقیم در حل بحران کرونا مؤثر بوده است. دین با تعریف مکانیسم تعامل با شرایط جدید، آرامش‌بخشی به جامعه ایمانی و تعریف فضای جدید عملکردی، پیامد اصلی بحران را بلاموضوع و یا لااقل کم‌اثر کرده است.

۵- کرونا از زوایای مختلفی نهاد دین را در معرض آسیب قرار داده است. بخشی از آسیب‌ها عقبه تئوریک دین را هدف قرار می‌دهد. بخشی نیز دین را در میدان عمل به چالش کشیده است. می‌توان مهم‌ترین آسیب سیستمی به دین از ناحیه کرونا را لطمه زدن به سبک زندگی اجتماعی دانست. گسست روابط، تعطیلی مراکز تجمع دینی و مناسک جمعی از جمله لوازم آسیب اخیر است. دین با تأکید بر عبودیت، به مؤمنان آموزش می‌دهد که به جای تجمّد بر شکل عبادات به روح و غایت عبادت توجه داشته باشند و بتوانند در شرایط مختلف رابطه خویش با خدا را حفظ کنند. اتفاقاً شرایط جدید پیش آمده ناشی از کرونا می‌تواند امتحانی برای میزان تخلّق به اخلاق دینی است. از سوی دیگر نهاد دین یکسره و به کلی تسلیم شرایط جدید نبوده است و به استفاده از زیرساخت‌های نوین و تعریف مفاهیم جمع‌گرایانه

جدید نیز دست زده است. در این میان خلاقیت متولیان دینی و مؤمنان در راستای احیای شعائر دینی قابل توجه است. آسیب‌هایی نیز که با بخش تئوریک دین ارتباط برقرار می‌کنند سبب پویایی هرچه بیشتر ذهن مؤمنان شده و زمینه مساعدی جهت تأمل و اندیشه ژرف در باب دین خواهد شد؛ لذا دین همان‌گونه که دعوت به تفکر و تدبر می‌کند، از پیدایش زمینه‌های ایجاد تفکر نیز استقبال کرده است.

۶- دین علاوه بر آنکه ظرفیت‌های بسیاری در بازیابی خویش در بحران کرونا نشان داد، در حل بحران کرونا در جامعه نیز به جد نقش‌آفرینی کرده است. تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تقویت روحیه قانون‌مداری، تقویت بعد عقلانیت اجتماعی در مبارزه با ویروس کرونا، مواسات و همدلی اجتماعی ناشی از برادری ایمانی، اطلاق شهید بر جهادگران عرصه سلامت و ارزش‌گذاری دینی بر این گونه تلاش‌ها و در نهایت ورود جدی مساجد و نقش‌آفرینی مساجد، هیئت‌ها و دیگر اماکن مذهبی در کنترل، پیشگیری و درمان بیماری کرونا و حمایت از آسیب‌دیدگان بحران کرونا از جمله فعالیت‌هایی است که نهاد دین متکفل آن بوده است.

## منابع

۱۹۷



مرکزدهای بین‌المللی در بحران کرونا

- \* قرآن کریم
۱. اکسیدمور, ویلیام؛ تفکر نظری در جامعه‌شناسی؛ ترجمه محمد مقدس، احمد رجبزاده، سعید معیدفر، علی هاشمی‌گیلانی، علی‌محمد حاضری؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
  ۲. حسینی، حسین؛ «بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود»، امنیت؛ ش ۱ و ۲، پائیز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۷-۵۲.
  ۳. خسروپناه، عبدالحسین؛ کلام جدید با رویکرد اسلامی؛ قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.
  ۴. محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴.
  ۵. Hermann, C. ; "International crisis as a situational variable", In Rosenau; International politics and foreign policy; New York: New York: Free Press, ۱۹۶۹ ,pp. ۴۰۹-۴۲۱.
  ۶. Hermann, C. ; "some Issues in the study of International Crises", In Hermann; International Crises: Insights from Behaviourial Research; NewYork: free press, ۱۹۷۲.

۷. khamenei. ir. (۱۳۹۹، ۰۱ ۲۱). Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۴۵۳۲۰>
۸. Rapoport, A. ; "General theory", In International Encyclopedia of social Science; Vol. ۱۵, ۱۹۶۸, p. ۴۵۳.

